چهارشنبه ۲۱ آذر ۱۴۰۳
شماره ۴۳۰۱
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

آگهی تبلیغاتی اپوزیسیون ایرانی با بک‌گراند سوریه تکمیل شد

بفرمایید شام

علی مزروعی
خبرنگار گروه نقد روز

با فروپاشی دولت سوریه و تسلط تروریست‌های تحریرالشام بر دمشق، این کشور به سرعت به ویرانه‌ای تبدیل شده که نه از ساختار حکومتی چیزی باقی مانده و نه از زیرساخت‌های دفاعی آن. طی حملاتی که از همان ساعات نخست این تغییرات آغاز شده، نابودی تجهیزات دفاعی سوریه، اشغال این کشور و ترور هدفمند دانشمندان در فهرست اهداف اسرائیل قرار گرفته است. به این تجاوز خارجی آشفته‌بازار داخلی را نیز باید اضافه کرد که خیابان‌های دمشق را به صحنه غارتگری تبدیل کرده است. در سایه این اقدامات گروه‌های مسلح تحت فرمان تحریرالشام که اکنون نقش شبه‌پلیس‌هایی منفعل را ایفا می‌کنند، نه قادر به کنترل اوضاعند و نه تمایلی دارند به اقدامات اسرائیل واکنش نشان دهند. تحریرالشام، به‌عنوان قدرت مسلط بر کشور، به جای مدیریت بحران و بازسازی، ابزارهای رسانه‌ای خود را برای تغییر افکار عمومی به کار گرفته و با پروپاگاندا در مورد زندان صیدنایا و زندانیان آن در تلاش برای پنهان کردن همکاری‌های احتمالی خود با اشغالگران است. چه در مسئله نابودی دارایی‌های استراتژیک نظامی و چه در آزادی بی‌ضابطه زندانیان، نشانه‌ای از توانایی این گروه در مدیریت کشور و تامین امنیت برای مردم سوریه دیده نمی‌شود. این شـــرایط، زنگ خطری برای سراب آزادی است که برخی از جریان‌های مشابه برای دیگر کشورها از جمله ایران ترسیم می‌کنند. سرنوشتی که نشان می‌دهد نتیجه چنین براندازی‌هایی توسط قدرت‌های غربی چیزی جز هرج‌ومرج و سقوط به ورطه بی‌دولتی نخواهد بود.

۳۰۰ حمله به سوریه بی‌دولت طی تنها ۲ روز

پس از ســـقوط دولت بشار اسد و تسلط تحریرالشام بر دمشق، آرامش از سوریه رخت بربســـته و این کشور به میدان نبردی برای قدرت‌های خارجی و گروه‌های تروریستی تبدیل شده است. رژیم‌صهیونیستی فرصت را غنیمت شمرده و دامنه تجاوزهای خود به سوریه را گسترش داده است. تنها چند ساعت پس از فروپاشی دولت مرکزی، نیروهای اســـرائیلی نواحی جنوبی سوریه و بلندی‌های جولان را تحت اشـــغال درآوردند و اکنون تنها ۴۰ کیلومتر با دمشق فاصله دارند. در ۴۸ ســـاعت نخست پس از این تغییرات، نیروی هوایی اسرائیل حملات گسترده‌ای علیه مواضع نظامی سوریه انجام داده و خسارات سنگینی به زیرساخت‌های دفاعی این کشور وارد کرده است. بندر استراتژیک لاذقیه، که یکی از نقاط کلیدی دریایی سوریه محسوب می‌شود، هدف حملات سنگین هوایی قرار گرفت و تجهیزات دریایی و نظامی مستقر در این منطقه یک به یک در حال نابود شدن هستند. آنطور که رسانه‌های اسرائیلی اذعان کرده‌اند نیروی هوایی این رژیم طی این مدت بیش از ۳۰۰ حمله هوایی انجام داده است. همچنین حملات دیگری به سامانه‌های دفاع هوایی سوریه، انبارهای تسلیحاتی ارتش در مناطق «الکورنیش»، «المشیرفه»، و «رأس الشمرا» و همچنین انبارهای مهمات در «السومریه» در دمشق انجام شد. علاوه‌بر این، مناطق دیگری از جمله «یعفور» در حومه دمشق و استان‌های حمص، حماه و طرطوس شاهد انفجارهای گسترده‌ای بودند که به ویرانی زیرساخت‌های نظامی این مناطق انجامید. رژیم‌صهیونیستی با انجام این عملیات‌ها تلاش می‌کند تا جای پای خود را در جنوب سوریه مستحکم‌تر کند و با نزدیکی بیشتر به پایتخت، نفوذ استراتژیک خود در منطقه را افزایش دهد.

ترور دانشمندان و عالمان دینی؛ ادامه سناریوی عراق در سوریه

پس از سقوط دولت بشـــار اسد و گسترش هرج‌ومرج در سوریه، موج جدیدی از ترورها آغاز شـــده که یادآور دوران پس از سقوط صدام حسین در عراق است. دانشمندان و عالمان برجسته سوری به اهداف اصلی تروریست‌ها و عوامل ناشناس تبدیل شده‌اند. این ترورها که برخی منابع احتمال دست داشتن موساد و آمریکا در آنها را مطرح کرده‌اند، پیامدهای خطرناک و گســـترده‌ای برای آینده علمی و فرهنگی سوریه دارد.

یکی از قربانیان این موج ترور، شیخ توفیق البوطی، فرزند شیخ محمد البوطی، از سرشناس‌ترین عالمان دینی حامی بشار اسد بود. او در دمشق و توسط مهاجمان ناشناس ترور شد. خانواده البوطی به دلیل مواضع صریح و حمایتی خود از دولت پیشین، همواره در معرض تهدید قرار داشتند. همچنین دکتر حمدی اسماعیل ندی، شیمیدان برجسته سوری و متخصص در تولید داروهای ارگانیک، در منزلش در دمشق توســـط عوامل ناشناس به قتل رسید. او یکی از نخبگان علمی کشورش بود که دســـتاوردهایش در زمینه داروسازی به‌عنوان یکی از امیدهای بازسازی زیرساخت‌های علمی و صنعتی سوریه تلقی می‌شد. ترور او و دیگر دانشمندان نشان‌دهنده برنامه‌ریزی دقیق برای حذف نخبگان و جلوگیری از احیای علمی و صنعتی سوریه است. این ترورها را می‌توان تداوم سناریوی عراق دانست؛ جایی که پس از ســـقوط صدام، موساد و عوامل خارجی به هدف قرار دادن دانشمندان، اساتید دانشگاه و شخصیت‌های برجسته علمی پرداختند. ترور دانشمندان و نخبگان علمی نه‌تنها ظرفیت‌های علمی یک کشور را نابود می‌کند، بلکه مانع بازسازی و توسعه آن در دوران پس از بحران می‌شود. این رویدادها در سایه بی‌ثباتی و نبود یک دولت مرکزی قوی رخ می‌دهد، جایی که گروه‌های مسلح و قدرت‌های خارجی در خلأ امنیتی حاکم بر کشور، اهداف خود را دنبال می‌کنند. ترورهای هدفمند در سوریه، پیام هشداردهنده‌ای به دیگر کشورهای منطقه است که فروپاشی دولت و براندازی کور همچون سرابی تزئین‌شده و توسط غربی‌ها به آنها نشان داده می‌شود.

معنی آزادی در ادبیات تحریری را هم فهمیدیم

باسقوط دولت مرکزی و تسلط تحریرالشام، این کشور به صحنه‌ای برای غارت میراث فرهنگی، سرقت اموال عمومی و ایجاد هرج‌ومرج تبدیل شده است. ویدئوهایی که از غارت کاخ ریاست‌جمهوری و دیگر اماکن عمومی منتشر شده، نشان‌دهنده بی‌ثباتی و نبود کنترل در سوریه است.

این غارت‌ها تنها به اموال عمومی و بناهای دولتی محدود نشده است؛ بلکه میراث فرهنگی گران‌بهای سوریه را نیز که بخشی از هویت ملی و تاریخی این کشور را تشکیل می‌دهد شامل می‌شود. موزه‌ها و گنجینه‌های باستانی هدف حمله گروه‌های مســـلح و غارتگران قرار گرفته‌اند و بسیاری از آثار تاریخی که بازگوکننده تاریخ چندین هزارساله این سرزمین بود و از دل مغول‌گرایی داعش جان سالم به‌در برده بود اکنون یا به‌طور کامل نابود شده یا به بازار سیاه جهانی راه پیدا خواهد کرد. در این شرایط، تحریرالشام که کنترل کشور را به دست گرفته، هیچ اقدامی برای مهار این هرج‌ومرج انجام نداده است.

وضعیت کنونی ســـوریه نشان می‌دهد بدون وجود یک ساختار حکومتی قوی و متعهد، پیامدهای هرج‌ومرج فراتر از نابودی زیرساخت‌ها خواهد بود. از دست رفتن میراث فرهنگی، افزایش جرایم و ظهور یک فرهنگ غارت و بی‌قانونی، هم امید مردم به بازسازی کشور را از بین می‌برد و هم چهره‌ای تاریک از آینده سوریه را پیش چشم قرار می‌دهد. این اتفاقات در حالی در سوریه رخ می‌دهد که تحریرشامی‌های مدعی ایجاد آزادی هیچ ایده و عزمی برای مهار هرج‌ومرج ندارند.

انحراف از تجاوزهای اسرائیل با پروپاگاندا صیدنایا

ســـکوت مطلق جولانی، سرکرده این گروه، در برابر تجاوزهای نظامی اسرائیل و نابودی زیرســـاخت‌های سوریه، نشانه‌ای از ناتوانی یا عدم تمایل آنها برای حفظ حاکمیت و امنیت کشور است.

پس از ویدئوهایی که از زیر پا گذاشته شدن پرچم فلسطین زیر پای شورشیان منتشر شد این سکوت ســـند دیگری برای هماهنگی پشت پرده آنها با اهداف نتانیاهو اســـت. به جای پرداختن به این موضوعات، تیم رسانه‌ای تحریرالشام تلاش دارد با هدایت افکار عمومی به سوی موضوعاتی مانند زندان صیدنایا، ذهن مردم را از وقایع جاری منحرف کند. هم‌زمان با اینکه تیم رسانه‌ای جولانی تلاش دارد علت حبس همه زندانیان را به دیکتاتوری نسبت دهد آنها بدون هیچ ضابطه‌ای آزاد شده و روانه خیابان‌های غرق در هرج‌ومرج سوریه می‌شوند. این اقدام شاید بتواند در راســـتای کمک به ری‌برندینگ جولانی و توجیه یورش ناگهانی به سوریه کارایی داشته باشد اما قطعا به تامین امنیت مردم سوریه کمک نمی‌کند. در شرایطی که زیرساخت‌های نظامی و امنیتی کشور تقریبا نابود شده و سوریه به مکانی بی‌دفاع در برابر تجاوزهای خارجی بدل گشـــته، تحریرالشام نیز تلاش دارد از درون میخ فروپاشی سرزمین سوریه را به نفع تل‌آویو بکوبد.

فردای براندازی، امروز سوریه است

تصویری که اکنون از ســـوریه در برابر چشـــمان جهانیان قرار دارد، چیزی جز هرج‌ومرج، بی‌قانونی و نابودی زیرساخت‌ها نیست. این شرایط نشان می‌دهد که براندازی کور آن هم با هدایت خارجی می‌تواند به جای تحقق وعده‌های آزادی و عدالت، یک کشور را به بیابانی بی‌دفاع و بی‌ثبات تبدیل کند.

آنچه در سوریه رخ داده، از دست رفتن کامل امنیت، تمامیت ارضی و منابع علمی و فرهنگی کشور است. کسانی که روزی از آزادی سوریه سخن می‌گفتند، اکنون کشـــوری را به جا گذاشته‌اند که نه‌تنها هیچ‌گونه ساختار دولتی ندارد، بلکه تبدیل به میدان جولان قدرت‌های خارجی و گروه‌های تروریســـتی شده است. در این فضا مفاهیمی مانند آزادی و دموکراسی که شعارهای اصلی این جریان‌ها بوده و با ویدئوهای زندان صیدنایا تزئین می‌شود خیلی زود از معنا تهی شده و جای خود را به یک هرج‌ومرج بی‌پایان داده‌اند.

صحنه امروز سوریه پس از سقوط دولت مرکزی، تصویر واضحی از یک کشور در آستانه فروپاشی کامل است. اسرائیل، به‌عنوان یکی از بازیگران منطقه‌ای، از این خلأ قدرت سوءاستفاده کرده و با تجاوزهای نظامی، بخش‌های استراتژیک کشور را به ویرانه‌ای تبدیل کرده است. فضای امروز سوریه همان فردایی است که اپوزیسیون خارج‌نشین برای ایران در نظر گرفته و با تکیه به قدرت‌های خارجی سال‌هاست برای اجرایش تلاش می‌کنند و هر بار به در بســـته می‌خورند و به نقطه شروع باز می‌گردند. خارج‌نشینان برانداز در حالی وعده یک «آزادی» مبهم و بی‌سرانجام را به مردم ایران می‌دهند که هیچ برنامه‌ای جز به جان هم افتادن برای سهم بیشتر از کیک بی‌دولتی ایران برای مدیریت کشـــور پس از براندازی ندارند. چنین سرابی، قطعا آینده‌ای بهتر از آنچه سوریه در آن گرفتار شده را تضمین نمی‌کند؛ مسیری که در آن هرج‌ومرج و تخریب منابع جایگزین نظم و امنیت می‌شود. وضعیت سوریه، نمونه‌ای از این واقعیت است که براندازی کور نه‌تنها ضامن آزادی و عدالت نیست، بلکه می‌تواند آغازگر فصلی از نابودی و فروپاشی فرصت‌های موجود باشد. این پیامدها، هشـــداری جدی برای ایرانیانی است که در جست‌وجوی آینده‌ای بهتر گوش به دهان طراحان صحنه شام دوخته‌اند.

چرا باید در چهارچوب‌های منطقی از ایده‌های فرصت‌ساز حمایت کرد؟

ساخت سرمایه اجتماعی با محوریت قانون

ادامه از صفحه ۱

ایستادن رئیس‌جمهور روی موضوعاتی که دغدغه مردم در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی بود، این فضا را ایجاد کرد که بخشی از بدنه جامعه به امید حل برخی از این چالش‌ها توسط دولت پای صندوق‌های رای بیایند. توجه به حقوق زنان، آن هم بعد از اتفاقاتی که در ناآرامی‌های ۱۴۰۱ رخ داد، بیش از گذشته به دغدغه اقشار مختلف جامعه و نه‌فقط مردم تبدیل شده است؛ موضوعی که رئیس‌جمهور در رقابت‌های انتخاباتی به آن اشاره کرد و گفت: «این نگاه که زنان جنسیت دوم هستند باید اصلاح شود. باید در عمل ثابت کنیم که به فکر آنها هستیم. در خیلی مسائل قصور داریم.» قصه فیلترینگ و محدودیت‌های فضای مجازی نیز موضوع دیگری بود که مسعود پزشـــکیان به آن اشاره کرد و گفت: «تمام تلاش خود را برای اصلاح نظام ناکارآمد فیلترینگ به کار می‌بندم.» اینکه نباید به اقلیت‌ها و اقشار ضعیف بی‌توجهی شود و دولت آنها را ببیند در کنار تاکید بر توجه جدی به موضوعاتی مثل محدودیت‌های اجتماعی و مسائل زنان در جامعه، این نگاه را به وجود آورد که تمرکز دولت بر کم کردن نارضایتی‌های اجتماعی و ترمیم شکاف‌های اجتماعی متمرکز شده است. ایده‌ای که اثر کوتاه‌مدت آن این بود که بخشی از بدنه جامعه به امید توجه دولت به این دغدغه‌ها پای صندوق‌های رای بیایند.

اجازه دهید دولت ایده‌اش را در فیلترینگ پیش ببرد

از روزهای ابتدایی شروع دولت چهاردهم، سران دیگر قوا و دستگاه‌های مختلف نظام حکمرانی نیز این چراغ سبز را به دولت نشان دادند که برای تحقق وفاق ملی و ترمیم این نارضایتی‌ها در کنار دولت قرار دارند. اهالی پاستور نیز برای تحقق برخی از این وعده‌ها در چهارچوب قانون گام برداشتند که برخی از آنها در انتصابات دولتی خود را نشان داد. این رویکرد در ابتدای امر افزایش مشارکت اجتماعی در انتخابات را در پی داشت و در بلندمدت منجر به کاهش نارضایتی‌های اجتماعی شد تا به این ترتیب احساس همراهی و همبستگی را میان مردم تقویت کند. در کنار این موارد اما موضوع مهم‌تری که بخش زیادی از بار نارضایتی اجتماعی را به دوش می‌کشد که در کنار آن زیان‌های اقتصادی و امنیتی هم برای کشور و مردم به همراه داشته، قصه فیلترینگ و محدودیت‌های اینترنتی است. اوایل مهر ماه بود که دولت برای تحقق این وعده، خیز برداشت. برگزاری جلسه شورای عالی فضای مجازی با حضور رئیس‌جمهور و اعضای دولت و ارائه طرحی از جانب وزیر ارتباطات برای فراهم شـــدن شرایطی برای رفع محدودیت‌های اینترنتی در چهارچوب قانون با همین منظور انجام شد. از زمان برگزاری جلسه دوم شورای عالی فضای مجازی اما این گزاره با جدیت بیشتری از جانب دولت و به‌طور ویژه وزیر ارتباطات، مطرح شد که قرار است اخبار خوبی در مورد رفع فیلترینگ به مردم برسد. دولت از پیگیری طرح رفع فیلترینگ چند هدف مشخص را دنبال می‌کند.

اجرایی شدن رفع محدودیت‌ها در چهارچوب قانون، این تصور را در میان مردم ایجاد می‌کند که دولت در تحقق موضوعاتی که به‌عنوان ایده محوری او به شمار می‌رود، موفق عمل کرده و کارآمد است. رفع فیلترینگ می‌تواند آن بدنه‌ای از جامعه که با هدف تحقق این وعده‌های دولت، پای صندوق‌های رأی آمده بودند را همچنان حفظ کند و منجر می‌شود تا این بدنه تبدیل به حامیان جدی دولت شوند. نکته مهم دیگر این است که رفع این محدودیت‌ها نارضایتی‌های اجتماعی را در تمام اقشار جامعه به‌طور محسوسی کاهش می‌دهد، بازار قاچاقی که به خاطر فیلترینگ به وجود آمده را کساد می‌کند و جلوی بیشتر شدن زیان‌های اقتصادی دولت را می‌گیرد. در این چهارچوب همراهی و همکاری دستگاه‌های دخیل برای حل این چالش می‌تواند به دولت برای تحقق یکی از وعده‌های اصلی کمک کند. مانع تراشی برای رفع این محدودیت‌ها آن هم در حالی که دولت در چهارچوب قانون به دنبال تحقق آن است، مثل سم مهلکی عمل می‌کند که نه‌تنها کارآمدی دولت را هدف قرار می‌دهد، بلکه مانع از ترمیم یکی از علل اصلی نارضایتی‌های اجتماعی می‌شود.

دولت به قانون عمل کند وعده‌هایش را هم محقق کند

سرنوشت رفع فیلترینگ همچنان نامشخص است. در حالی که سوال ثابت از وزیر ارتباطات، زمان رفع فیلترینگ است و ستارهاشمی هم تاکید می‌کند «اخبار خوب در مورد فیلترینگ» در راه است اما اخباری که از جلسه شورای عالی فضای مجازی به گوش می‌رسد، نشان می‌دهد سرنوشت تحقق یکی از وعده‌های اصلی دولت همچنان مبهم است و دولت بعد از گذشت چهار ماه هنوز نتوانسته در تحقق این وعده موفق شود. علاوه‌براین، تصویب لایحه عفاف و حجاب و تاکید رئیس مجلس برای اجرای آن توســـط دولت هم موضوع دیگری است که در کنار عدم تحقق وعده دولت در موضوعات اجتماعی قرار می‌گیرد. رفت و برگشتی که از تصویب لایحه عفاف و حجاب، میان دولت و مجلس اتفاق افتاد، بر این محور اســـتوار بود که مجلس تاکید دارد از آنجا که لایحه به قانون تبدیل شده، دولت موظف به اجرای آن است. در نقطه مقابل اما به نظر می‌رسد دولت انتقاداتی به برخی از بخش‌های این لایحه دارد و به همین منظور نیز در این مدت اجرای آن را به تعویق انداخته اســـت. جرایم نقدی و میزان آن یکی از بخش‌های پربحث لایحه عفاف و حجاب اســـت. موضوعی که حتی خسرو پناه دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی هم به آن اشاره کرد و گفت: «به برخی بندها که شامل جریمه است، ایراد وارد است و باید اصلاح شود.» مواردی مثل جریمه شدن راننده‌ای که مسافر بی‌حجاب در ماشین خود دارد از جمله ایرادهایی است که به لایحه وارد است. تاکید مجلس بر اجرای قانون و تاکید دولت بر انتقاد از لایحه این شائبه را ایجاد کرد که دولت نمی‌خواهد زیر بار اجرای این قانون برود. رئیس مجلس اما در ادامه تاکیدات به لزوم اجرای قانون، به این موضوع هم اشاره کرد که اگر دولت اصلاحی بر قانون حجاب دارد، لایحه دهد. موضوعی که رئیس قوه قضائیه هم در مراسم روز دانشجو به آن اشاره و گفت که قانون باید اجرا شود اما اگر نقصی داشته باشـــد، می‌توان آن را اصلاح کرد. خسرو پناه، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی هم در واکنش به این رفت و برگشت‌ها گفت: «خواهش من از مجلس این اســـت که اشکالات را بشنوند، اصلاحات را انجام دهد و خواهشم از دولت این است که به خاطر برخی اشکالات، بندهایی که برای کشور نفع دارد، اشتغال کشور را تامین می‌کند و فرهنگ کشور را رشد می‌دهد، فدا نشود.» در مواجهه با اختلافات به نظر می‌رسد رفتار مطلوب آن است که دولت ضمن پذیرش اجرای قانون، اصلاحات را در این راستا محقق کند اما به نظر می‌رسد، مبنا بر عدم اجرای قانون است. تا آنجا که دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی به این موضوع اشاره کرد که «دولتمردان مسئله را حل کنند، آن را منحل نکنند.»

برداشتن موانع از پیش پای دولت در چهارچوب منافع ملی است

عدم حرکت دولت به سمت اجرای این قانون، نشان می‌دهد دولت اجرای این قانون را در نقطه مقابل وعده‌های انتخاباتی و خلاف نظر بدنه حامی خود می‌داند و به نظر می‌رسد به همین منظور نیز اجرای آن را به تعویق می‌اندازد. علاوه‌براین عدم تحقق وعده‌هـــای اصلی دولت، تصویر عدم موفقیت دولت را در میان بدنه حامی دولت ایجاد می‌کند و منجر به از دست دادن حمایت این بدنه می‌شود. در این میان تعهد به قانون و تلاش برای اصلاح موارد اختلافی می‌تواند کنش موثرتری باشد و تصویر ناکارآمدی و عدم همراهی را نیز در فضای سیاسی تقویت نکند. رفتاری که می‌تواند برای دولت در ایجاد سرمایه اجتماعی مثبت باشد. البته می‌بایست به این موضوع هم توجه داشت که ضمن پایبندی به چهارچوب قانون و لزوم اجرای آن، برای اجرای اهداف اصلی دولت در حوزه‌های اجتماعی که تزریق امید به جامعه و شنیدن صدای اقشار مختلف را درپی دارد نیز تلاش موثرتری کند. موفقیت دولت در گرو تحقق وعده‌هایش در مواردی است که ترمیم شکاف اجتماعی را به همراه دارد. عدم تحقق این وعده‌ها ناامیدی را به جامعه تزریق می‌کند، شکافی میان دولت و بدنه حامی دولت ایجاد می‌کند و اثر کوتاه‌مدت آن کاهش میزان مشـــارکت در انتخابات است. برای جلوگیری از ایجاد این فضا و به وجود آمدن احساس ناامیدی در جامعه، بخشی از بار ماجرا به دوش دولت است که می‌بایست در چهارچوب قانون برای اجرای وعده‌ها برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری مشخصی داشته و با سایر دستگاه‌ها همراهی کند. بخش دیگری از این ماجرا به دوش دستگاه‌ها و دیگر مجموعه‌های دخیل در نظام حکمرانی است. فراهم کردن فضا برای تحقق اهداف دولت در حوزه‌های اجتماعی علاوه‌براینکه منجر به ارائه تصویر دولتی کارآمد به افکار عمومی می‌شود و بخشی از نارضایتی‌ها در حوزه اجتماعی را محو می‌کند، منفعتی برای ملت به همراه دارد و بخشی از شعار دولت یعنی وفاق ملی را در نسبت با نظام حکمرانی برقرار می‌کند.

پارامترهای جدید ایران در معادله نظم نوین غرب آسیا

ادامه از صفحه ۱

حالا و در شـــرایط کنونی نیز نیاز به چنین اقدامی، ضروری به نظر می‌رسد. پروژه نظم نوین غرب آســـیا که با عملیات میدانی اسرائیل در حال پیشروی است، با ســـقوط حکومت اسد در سوریه به یک دستاورد بزرگ رسید، اما هنوز فاصله زیادی با پیروزی دارد و اینجا دقیقا همان نقطه‌ای است که ایران می‌تواند با طراحی و اعمال یک راهبرد درست، ورق را برگرداند؛ همان‌طور که در ســـال‌های پس از اشـــغال عراق و افغانستان از سوی ایالات متحده، ورق برگشت و مدیریت نظم امنیتی منطقه در اختیار مقاومت قرار گرفت.

یکی از نقاط کانونی در این راهبرد جدید، باید توجه به عربســـتان سعودی و امارات متحده عربی باشـــد؛ دو کشوری که در نگاه کلان، بخشی از پازل کنترل قدرت ایران در منطقه هســـتند، اما در شرایط فعلی و در چهارچوب جدیـــدی که در منطقه وجود دارد، به دلایـــل مختلف می‌توانند همکاری مقطعی تاکتیکی با تهران برای تغییر در روندهای امنیتی داشـــته باشند. در زمینه چرایی امکان ایجاد این همکاری، دو محور قابل طرح اســـت؛ محور اول که رویکرد ایدئولوژیک دارد و بخش کمرنگ ماجراســـت و محور دوم که ابعاد واقع‌گرایانه دارد و بخش پررنگ ماجراست.

هم عربســـتان و هم امارات به عنوان سردمداران مخالفت با اندیشه اخوانی در جهان شـــناخته می‌شوند؛ مدلی از اسلام سیاسی که در جهان اهل‌سنت طرفداران بالایی دارد و در تقابل مستقیم با اندیشه‌های این دو کشور است. ترکیه و قطر به عنوان سردمداران اندیشه اخوانی توانستند با مدیریت رویدادهای مرتبط با فلسطین و همچنین طراحی مرتبط با تحولات سوریه، نهایتا به پیروزی در این میدان دست پیدا کنند و حالا دست برتر را در زمینه ایدئولوژیک دارند. این مسئله باعث می‌شود این دو کشور به صورت تاکتیکی در کنار ایران قرار بگیرند و امکان طراحی مشترک وجود داشته باشد.

اما مهم‌تر از این نگاه ایدئولوژیک، مســـئله دوران گذار در نظام بین‌الملل اســـت. واحدهای سیاسی مختلف در دوران گذار تلاش می‌کنند با افزایش قـــدرت، جایگاه خود در نظام بین‌الملل بعدی و جدید را بالا ببرند. در این وضعیت، «جنگ» یکی از ابزارهای قدرتمند برای کســـب یا از دست دادن قدرت اســـت. با این پیش‌فرض، اقداماتی که ترکیه -به‌عنوان یکی از اضلاع مثلث قدرت در غرب آسیا؛ یعنی ایران، ترکیه و عربستان- در سال‌های اخیر انجام داده، باعث برتری آنکارا در این زمینه شـــده اســـت؛ یعنی حالا و در شرایط دوران گذار، ترکیه توانسته ضمن کنار زدن یکی از نگرانی‌های امنیتی در همسایگی خود -یعنی سوریه- رقبای میدانی خود -یعنی ایران و عربستان- را هم پشت‌ســـر بگذارد. این بستر، همان مسیر مناسب برای ایجاد مدلی از همکاری میان تهران و ریاض اســـت. با نگاهی به تاریخ روابط بین‌الملل و بررسی مقطعی که از آن با عنوان «کنسرت اروپا» نام برده می‌شود، می‌توان بر این نکته تاکید کرد که با وجود مبانی متفاوت و اختلافات گســـترده، الان زمان مناســـبی برای ایجاد یک ساختار همکاری میان ایران و عربستان - و امارات - به منظور کنترل افزایش قدرت ترکیه اســـت؛ همانطور که بریتانیای قرن نوزدهم، با جابه‌جایی تاکتیکی، افزایش قدرت در میان رقبای منطقه‌ای خود یعنی فرانسه و آلمان را مدیریت می‌کرد.

نگاهی به مواضع رســـمی عربستان و امارات در قبال تحولات اخیر سوریه مشخص می‌کند چنین نگرانی مشخصی در میان سران ریاض و ابوظبی هم وجود دارد و بر اســـاس پیام‌های ردوبدل شده میان ایران و این دو کشور در ماه‌های اخیر، با تعریف درست یک راهبرد جدید می‌توان به مدل همکاری مشخصی بین طرفین رسید که در حکم جلوگیری از تحقق راهبردهای طرف غربی باشـــد؛ همان‌طور که یک بار در سال‌های پس از ۲۰۰۰ میلادی و با طراحی راهبرد جدیدی درباره شبکه مقاومت صورت گرفت.

آن چیزی که در حال حاضر شفاف به نظر می‌رسد، نیاز به طراحی پارامترهای جدید برای حل معادله نظم جدید غرب آســـیا پس از سقوط حکومت بشار اســـد در سوریه است؛ موضوعی که یک شروع تلخ داشت اما می‌تواند یک بار دیگر به پایانی شـــیرین برسد؛ پایانی که این بار نقطه‌عطفی در تحولات امنیتی مرتبط با غرب آســـیا باشد و پروژه خاورمیانه جدید را به طور کامل بی‌اعتبار کند. باید چهارچوب‌های کلیشـــه‌ای را در حوزه سیاست خارجی کنار گذاشت و با نگاهی نو و البته به قید فوریت، کلان راهبردهای جدید را با دوستان جدید - که حتی می‌توانند از میان دشمنان قدیم باشند - عملیاتی کرد.